

مروری بر «درآمدی بر جامعه‌شناسی دین، چشم اندازهای کلاسیک و معاصر»

نقد و بررسی کتاب

اعظم حیدری عارف

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث



درآمدی بر جامعه‌شناسی دین، چشم اندازهای کلاسیک و معاصر؛ ایگنر فورشت و پل ریستاد؛ ترجمه مجید جعفریان؛ قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۴.

اشاره

آیا نفوذ دین در دوران مدرن افول داشته است؟ یا ما با نوعی تجدید حیات دینی مواجه ایم؟ بنیادگرایی چیست و چگونه پدید می‌آید؟ امروزه دین در کشمکش‌های قومی چه نقشی بر عهده دارد؟ آیا دین یک نیروی بنیادین است؟ و آیا رهبران سیاسی، در به کارگیری دین، منافع دیگری را تقویت می‌کنند؟ چگونه دین جنسیتی می‌شود و اینکه دین چه نقش‌هایی در زندگی زنان دارد؟ اینها برخی از پرسش‌هایی است که امروزه فراوان به آنها پرداخته می‌شود. دامنه‌ی جامعه‌شناسی دین از چند دهه پیش تا کنون با پژوهش‌های فراوانی که در این حوزه انجام شده، گسترش بسیاری یافته است، اما با این حال نمی‌توان همه‌ی مسائل و موضوع‌های مطرح‌شده در این گستره‌ی علمی را در یک کتاب یافت. کتاب «درآمدی بر جامعه‌شناسی دین» تلاشی برای نیل به این هدف است که به چشم‌اندازهای جامعه‌شناختی به دین، تعریف دین و ابعاد آن، جایگاه دین در روایت‌های کلاسیک مانند

چکیده: از رویکردهای مهم نظری به دین، نگاه جامعه‌شناختی به مطالعه دین است. از جمله پژوهش‌های نو در این حوزه، کتاب «درآمدی بر جامعه‌شناسی دین، چشم‌اندازهای کلاسیک و معاصر» اثر «ایگنر فورشت» و «پل ریستاد» در سال ۲۰۰۶ است که به اهمیت مجید جعفریان ترجمه‌شده و انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب در بهار ۱۳۹۴ آن را چاپ کرده است. کتاب مذکور تلاشی در راستای این هدف است که به چشم‌اندازهای جامعه‌شناختی به دین، تعریف دین و ابعاد آن، جایگاه دین در روایت‌های کلاسیک مانند مدرنیته، جهانی‌شدن و سکولاریزاسیون بپردازد. همچنین دینداری فردی، سازمان‌ها و جنبش‌های دینی و نقش دین در حوزه عمومی و ارتباط آن با نژاد، قومیت، جنسیت و جامعه‌شناسی را مورد ملاحظه قرار داده است. نویسنده در نوشتار حاضر، پس از بیان مقدمه‌ای، به معرفی فصل‌های دوازده‌گانه و فهرست تفصیلی مطالب کتاب می‌پردازد. در پایان نیز به اختصار به اهداف و رویکردهای نویسندگان اثر اشاره می‌نماید. کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی دین، معرفی کتاب، نگاه جامعه‌شناختی، مطالعه دین، کتاب «درآمدی بر جامعه‌شناسی دین، چشم‌اندازهای کلاسیک و معاصر»، ایگنر فورشت، پل ریستاد، مجید جعفریان.

1. (An introduction to the sociology of religion classical and contemporary perspectives, Furseth, Inger – Repstad, pal, 2006).

کار وجود چند خطای تایپی و ویرایشی در صفحه‌های ۳۱، ۹۶، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۲۶، ۲۲۱، ۴۰۷، ۴۱۸، ۴۲۹، ۶۱۸ چندان قابل توجه نخواهد بود.

معرفی فصل‌های کتاب

در فصل اول این کتاب به «چشم‌اندازهای جامعه‌شناختی به دین» پرداخته و ابتدا دانش جامعه‌شناسی توصیف می‌شود که علاقه اصلی این رشته علمی فهم و تبیین عمل انسان است. به بیانی دیگر پرسش جامعه‌شناسی این است که چرا انسان‌ها به نحوی که عمل می‌کنند، عمل می‌کنند؟ این فهم و تبیین اعمال انسانی، از طریق تبیین‌های روابط یا تبیین‌های اجتماعی مستقیم و غیرمستقیم یا تبیین‌های نظام‌نگرانجام می‌شود. سپس در تعریف جامعه‌شناسی دین می‌گوید: این رشته ذاتاً از جامعه‌شناسی عمومی متفاوت نیست. موضوع جامعه‌شناسی دین، مطالعه دین در زمینه اجتماعی آن است و به طور کلی جامعه‌شناسان دین به تأثیر دین بر جامعه و تأثیر جامعه بر زندگی دینی علاقه‌مندند. از این‌رو در این فصل نشان داده می‌شود که بین جامعه‌شناسی عمومی و جامعه‌شناسی دین وابستگی متقابل وجود دارد. همچنین در ادامه بحث، همراه با تلاش برای ذکر رویکرد متمایز جامعه‌شناختی به دین، به شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با دیگر رشته‌هایی می‌پردازد که دین در آنها نیز موضوع مطالعه است؛ مثل تعلیم و تربیت، الهیات، فلسفه، روان‌شناسی، انسان‌شناسی اجتماعی، تاریخ و مطالعات دینی.

در فصل دوم به تعریف دین به مثابه یک پدیده اشاره می‌کند و ضمن ارائه تعاریف متعدد از دین، به نقد و بررسی آنها نیز می‌پردازد و در ادامه دو تعریف از دین ارائه می‌کند: ۱. تعاریف مؤلفه‌ای که دربرگیرنده مشخصه محتوای دین هستند و به ما می‌گویند دین چیست؟ ۲. تعاریف کارکردی که فایده‌مندی اثری را توصیف می‌کنند که تصور می‌شود دین می‌تواند برای افراد یا جامعه داشته باشد. تعریف از دین گاه تعریفی گسترده است و گاه تعریفی محدود و بره‌ریک از این تعریف‌ها اشکالاتی وارد شده که در این بخش به آن اشاره شده است. تعاریف کلی و مبهم از دین که برخی قوم‌مدارانه و جانبدارانه و برخی تقلیل‌گرا هستند، این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا به تعاریف دین نیاز داریم؟ در قسمت بعدی این فصل این پرسش بحث شده و در بخش پایانی ابعاد مختلفی که متفکران برای دین در نظر گرفته‌اند، همراه با نقد و نظرها درباره آن آورده شده است.

در فصل سوم دیدگاه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک و نظریه‌های آنها درباره دین و تاثیرگذاران غیرجامعه‌شناس بر جامعه‌شناسی دین نیز پرداخته شده است. بعد از معرفی مختصر نظریه پرداز، نظریه او درباره فرد و جامعه شرح داده شده است. در ادامه تلاش شده تا دیدگاه نظریه‌پردازان با یکدیگر مقایسه گردد، به ویژه تمرکز مؤلفان بر تمایز

مدرنیته، جهانی شدن و سکولاریزاسیون، همچنین دینداری فردی، سازمان‌ها و جنبش‌های دینی و نقش دین در حوزه عمومی و ارتباط آن با نژاد، قومیت، جنسیت و جامعه‌شناسی پرداخته است.

«لیندا وودهد» از جامعه‌شناسان دین معاصر در دانشگاه لنکستر، درباره این کتاب می‌گوید: از آن رو که «فورشت» و «رپستات» به شرح و بیانی همزمان از سنت جامعه‌شناختی کلاسیک و جامعه‌شناسی دین معاصر پرداخته‌اند، اثرشان در میان نگارش‌های این حوزه دارای جایگاه مناسبی است. جامع‌نگری، واضح و مختصرنویسی پیچیده‌ترین نظریه‌ها در حوزه جامعه‌شناسی دین آن را به یک متن درسی ارزشمند تبدیل کرده است. همچنین «حسن محدثی» از جامعه‌شناسان دین معاصر در ایران و ویراستار علمی این اثر ترجمه شده به فارسی، پس از معرفی آثاری که تا کنون در این حوزه به فارسی ترجمه شده، به ذکر امتیازات این کتاب می‌پردازد که از جمله آنها این موارد است:

۱. ارائه نگاهی جامع‌نگر به حوزه جامعه‌شناسی دین و تحولات رخ داده در آن و پوشش دادن موضوع‌هایی مانند مدرنیته، پسا‌مدرنیته و جهانی شدن؛ دین در حوزه عمومی؛ دین‌داری فردی؛ دین‌داری عامیانه؛ دین، وفاق و تضاد؛ دین و جنسیت و نسبت جامعه‌شناسی با ایمان و الهیات که در دیگر آثار مغفول مانده است.

۲. آشنایی نسبی نویسندگان با فرهنگ اسلامی و به میان آوردن برخی نگرش‌های مسلمانان در نقد تفکرات و رویکردهای غربیان از دیگر ویژگی‌های این کتاب است.

۳. دیگر ویژگی بسیار مهم اثر این است که نویسندگان با عرضه نگاهی انتقادی به جامعه‌شناسی دین، خواننده را به فاصله‌گیری از اندیشه جامعه‌شناختی در باب دین و از بیرون نظر کردن در آن سوق می‌دهد.

۴. همچنین معرفی آراء جامعه‌شناسان دین در اروپای شمالی که در ایران شناخته شده نیستند و ذکر دستاوردهای جامعه‌شناسان و دین‌پژوهان و نقد دیدگاه‌ها در جای جای کتاب آن را به اثری سودمند برای خوانندگان فارسی زبان تبدیل کرده است.

کار ارزشمند و عالمانه مترجم کتاب، آوردن معادل انگلیسی واژه‌های تخصصی به‌کاررفته در متن است که در پاورقی‌ها ذکر شده است و در پایان کتاب نیز فهرست الفبایی ۹۲۵ واژه را همراه با معادل فارسی آنها آورده است. همچنین پاورقی‌های توضیحی در پاره‌ای موارد از سوی مترجم یا ویراستار علمی آن آمده است.

به نظر نگارنده به عنوان خواننده فارسی این اثر، اگرچه آمدن دو فعل در آخر برخی جمله‌ها یا آمدن بیش از سه مضاف‌الیه در پی هم گاه از روانی جمله‌ها کاسته است، اما در مجموع می‌توان آن را ترجمه بسیار قابل قبولی قلمداد کرد. متن ترجمه ۶۲۹ صفحه است و در این حجم از

از آن رو که «فورش» و «ریستات» به شرح و بیانی همزمان از سنت جامعه‌شناختی کلاسیک و جامعه‌شناسی دین معاصر پرداخته‌اند، اثرشان در میان نگارش‌های این حوزه دارای جایگاه مناسبی است. جامع‌نگری، واضح و مختصرنویسی، پیچیده‌ترین نظریه‌ها در حوزه‌ی جامعه‌شناسی دین آن را به یک متن درسی ارزشمند تبدیل کرده‌است.

در جامعه‌شناسی عمومی، تاریخ و برخی از رشته‌های دیگر دانشگاهی نیز مطرح هستند. عنصر خاص تر در جامعه‌شناسی دین، بحث سکولاریزاسیون است که تعاریف مختلفی از آن ارائه و نقد شده‌است. در فصل ششم به «دین در حوزه عمومی» پرداخته شده است. بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک مسلم گرفتند که دو فرآیند صنعتی شدن و مدرنیزاسیون سرانجام به سکولاریزاسیون یا به تمایزبانی دینی، افول و شخصی شدن دین منجر خواهد شد. یک سنت نظری مدعی است که با گسترش مدرنیزاسیون، نهادهای دینی سنتی رو به افول خواهند نهاد یا ناپدید خواهند شد و دین به امری خصوصی برای افراد

بدل می‌گردد. با این وجود سنت دیگری استدلال می‌کند که حتی در جوامع مدرن نیز دین می‌تواند نیرویی برای کنش جمعی، وحدت اجتماعی و بسیج سیاسی باشد. در این فصل مفاهیم حوزه عمومی و حوزه خصوصی به مدد دو وجهی سنتی روابط اجتماعی اشاره دارد که بین حوزه‌ی خانگی فرد، خانواده و اوقات فراغت و حوزه‌ی نهادهای مسلط، نظیر نهادهای اقتصادی، حقوقی و سیاسی جدایی می‌افکند. در این فصل هرگاه از دین در حوزه عمومی سخن گفته می‌شود، در درجه اول تمرکز بر حوزه سیاسی است که شامل جمع‌هایی است که در سطوح مختلف، نظیر ملت، دولت و جامعه مدنی عمل می‌کنند و در ادامه پنج شکلی را که در آنها دین در حوزه عمومی ظهور می‌یابد معرفی می‌شود. این اشکال عبارتند از دین رسمی دولت، دین مدنی، ناسیونالیسم دینی، دین عمومی و مشروعیت دینی قدرت سیاسی.

فصل هفتم از «دین داری فردی» بحث می‌کند. در جامعه‌شناسی بر فرد نیز تمرکز می‌شود و یک پرسش بنیادین در جامعه‌شناسی این است که چرا کنش‌گران اجتماعی به این شیوه خاص عمل می‌کنند؟ موضوع دیگری که به طور مکرر در نظریه جامعه‌شناختی اخیر یافت شده، دیدگاه فردی درباره خود است و اینکه این دیدگاه چگونه شکل گرفته، حفظ شده و تغییر کرده است. مطالعه جامعه‌شناختی فرد، تاکید می‌کند که افکار تصاویر از خود و کنش‌ها تحت تاثیر زمینه اجتماعی و مبتنی بر کنش متقابل فرد با دیگران است و یک پرسش اساسی در جامعه‌شناسی

بین نظریه‌های ساختاری و نظریه‌های کنش محور و نتایج آنها برای نگرستن به دین معطوف شده‌است. در پایان فصل اشاره شده که تمایز بین نظریه‌های ساختاری و نظریه‌های کنش محور روشن نیست. همچنین جامعه‌شناسان کلاسیک پاسخی صریح به پرسش از رابطه‌ی بین فرد و جامعه ارائه نکرده‌اند، در حالی که برخی نظریه پردازان از سوبه فردی و برخی دیگر از سوبه جامعه به این مسئله پرداخته‌اند و نیز رابطه بین فرد و جامعه هم روشن نیست. با این حال می‌توانیم نظریه‌های متفاوت را در انواع متفاوتی از زمینه‌ها به کار بگیریم.

فصل چهارم که عنوانش «دین در جامعه‌شناسی معاصر و تحلیل فرهنگی» است، مقدمه‌ای بر چشم‌اندازها درباره دین عرضه می‌کند. تمایز قائل شدن بین جامعه‌شناسی کلاسیک و معاصر، اگرچه غالباً مبهم و سیال است، اما متداول بوده است. نویسندگان تلاش کرده‌اند مهم‌ترین نظریه‌هایی را معرفی کنند که در جامعه‌شناسی معاصر و تحلیل فرهنگی فراوان از آنها بحث شده است. از آنجا که برخی از این نظریه پردازان در حوزه‌هایی بیرون از جامعه‌شناسی مهم هستند، در این بحث، مفهوم تحلیل فرهنگی نیز گنجانده شده است. برای مثال هابرماس، باومن و فوکو آورده‌های مهمی در فلسفه، اخلاق و نقد فرهنگی داشته‌اند. این فصل با معرفی نظریه پردازانی همچون یورگن هابرماس و نیکولاس لومان آغاز می‌شود که به تحلیل نظام گرایش دارند. سپس تحلیل‌های جامعه‌شناختی خردی دنبال شده که برای مثال آنها را در نوشته‌های اروین گافمن، پیتر برگر و توماس لاکمن می‌یابیم. سرانجام درباره برخی از نظریه پردازان همچون پی بوردیو، میشل فوکو، آنتونی گیدنز و زیگموند باومن بحث می‌شود که بر رابطه بین ساختار و کنش متمرکز شده‌اند. نظریه‌های جامعه‌شناختی معاصر تلاش می‌کنند تا نظریه‌های ساختاری و نظریه‌های کنش محور را با یکدیگر ترکیب کنند.

فصل پنجم به «روایت‌های کلان: مدرنیته، پسا مدرنیته، جهانی شدن و سکولاریزاسیون» اختصاص دارد. در این فصل به تفسیرهای گوناگون از جنبش‌های دینی جدید و موسوم به بنیادگرایی توجه شده و این پرسش‌ها بررسی شده که آیا همه‌ی محافظه‌کاران دینی ضد مدرنیته‌اند یا اینکه آنها تقریرهای جایگزین را برای مدرنیته معرفی می‌کنند. جهان با جهانی شدن و گسترش بازار اقتصادی و مهاجرت بین‌المللی در حال رشد مشخص شده‌است؛ اهمیتی که این توسعه برای دین خواهد داشت، در این کتاب به بحث گذاشته شده است. بخش مهمی از مباحثه جامعه‌شناختی متمرکز بر این است که ما چگونه باید ویژگی‌های بنیادین جامعه‌ی معاصر را مشخص کنیم. این فصل به طرح رؤس کلی مباحثی درباره مدرنیته، پسا مدرنیته و رابطه بین این دو مفهوم می‌پردازد و به اجمال از جهانی شدن نیز بحث می‌کند. این بحث‌ها به جامعه‌شناسی دین محدود نیستند، بلکه

در فصل دهم از «نژاد، قومیت و دین» سخن رفته است. از آنجا که جامعه‌شناسی دین ابزار مفهومی خودش را در مطالعه قومیت و دین به کار می‌گیرد، پس باید این ابزارها با ابزارهای برگرفته از مطالعات قومی هماهنگ شود. از این رو این فصل تلاشی است برای اشاره به روندهای رایج و کلاسیک در مطالعات قومی. اندیشمندان کلاسیک در نظریه قومیت، مفاهیمی را ارائه کرده‌اند که موضوعاتی نظیر قدرت، سلطه، طرد و نابرابری را از آنها می‌توان دریافت و افکار آنها توسط دانش پژوهان معاصر درباره شکل یافته و صورت بندی شده است. علاقه خاصی که در نظریه معاصر وجود دارد، هویت‌های متغیر و خلق قومیت‌های جدید است. با افزایش مهاجرت به اروپا و ایالات متحده، جامعه‌شناسان دین، سنتی قدیمی را در درون جامعه‌شناسی مطالعه مهاجران و نقشی که ایمان دینی و نهادهای دینی در زندگی آنها بازی کرده دنبال می‌کنند. این مهاجرت همچنین موجب بازنگری در معنای شهروندی و حقوق اساسی بشر شده است و نظریه پردازان و برنامه ریزان را به یکسان در باب چگونگی آفریده شدن جوامع در جایی که اکثریت‌ها و اقلیت‌های نژادی، قومی و دینی فرصت‌های برابر و احترام برابر را تجربه می‌کنند به چالش کشیدند. این فصل با تعریف برخی از مفاهیم اصلی آغاز شده و سپس رئوس اجمالی نظریه‌های قومی کلاسیک و معاصر ارائه گردیده است و بعد از آن به پژوهش‌های اخیر درباره ادیان مهاجر نظر شده و در پایان موضوعاتی نظیر همانندگرایی، کثرت‌گرایی و چندفرهنگی‌گرایی به همراه برخی از دلالت‌های ضمنی ممکن مطرح شده است.

در فصل یازدهم بحث از «دین و جنسیت» است. در دهه‌های گذشته شمار زیادی از مطالعات در درون حوزه جنسیت و دین انجام شده است. نخست به بررسی تصاویر متفاوتی پرداخته شده که از زنان و مردان در متون مقدس ادیان جهانی مختلف وجود دارند. در عین حال موضوع زنان و دین، تنها به متون و نمادهای مقدس محدود نمی‌شود، بلکه با زندگی‌های واقعی نیز ربط دارد. چه چیزی تجربه‌های مذهبی زنان را از تجربه‌های دینی مردان متمایز می‌سازد؟ دانش پژوهان متعددی بر نهادهای دینی تمرکز کرده و کوشیده‌اند برخی از نقش‌های واقعی را مشخص سازند که زنان در ادیان جهانی مختلف یا در جماعت‌های دینی گوناگون دارند. بسیاری از مطالعات دینداری معاصر رغبت زنان به دین و مشارکت بالای زنان در دین را تحلیل و نقد کرده‌اند. در بحث‌های مربوط به جنسیت و دین، موضوع بسیار مرتبط، تفسیر دینی از تمایلات جنسی است و اینکه دین مایل است تا تمایلات جنسی را قاعده‌مند کند و راهنمایی‌ها و تحریم‌های آن غالباً متوجه زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنسی‌ها و افراد تغییر جنسیت یافته است که در پایان فصل به این موضوعات توجه شده است.

در فصل دوازدهم و فصل پایانی رابطه بین «جامعه‌شناسی، الهیات و ایمان دینی» پرداخته شده است و این پرسش‌ها بحث شده که تفسیرها

دین این است که چرا مردم دیندار می‌شوند؟ چهار نظریه متفاوت تلاش کرده‌اند تا به این پرسش پاسخ دهند: نظریه محرومیت، نظریه جامعه‌پذیری، نظریه انتخاب عقلانی و نظریه جستجوی معنا و تعلق. موضوع بحث در اینجا اشکال گوناگون پایبندی دینی فرد خواهد بود و بررسی می‌شود که چگونه تجربه‌های اجتماعی متفاوت، پایبندی دینی را تقویت و تضعیف می‌کنند. بی‌تردید چندین ویژگی فردگرایی رشد یافته در جامعه‌شناسی معاصر را برجسته می‌کند. در پایان فصل بر افراد به لحاظ دینی پایبند تمرکز و اجمالاً از سکولاریزاسیون در سطح فردی بحث شده است.

فصل هشتم به «سازمان‌ها و جنبش‌های دینی» اختصاص دارد و بحث می‌شود که پایبندی دینی به ویژه در دوران مدرن می‌تواند بسیار فردی و خصوصی باشد. با این حال پایبندی دینی غالباً رشدی را در چارچوب یا درون یک گفتگوی انتقادی با سازمان‌های دینی مستقر تجربه می‌کند. در جامعه‌شناسی، سازمان به عنوان گروهی با یک یا چند هدف و دست‌کم ساختار رسمی مشخصی تعریف می‌شود. وضوح اهداف و رسمیت ساختارهای سازمانی تغییر می‌کند. مضمون محوری در تاریخ جامعه‌شناسی دین، تمایز بین اشکال گوناگون سازمان‌های دینی بوده است. سپس شیوه‌های گوناگونی مورد توجه قرار گرفته که در تلاش برای فهم تغییر در سازمان‌های دینی به کار گرفته شده‌اند. بخش آخرین فصل به معرفی برخی از نظریه‌های جامعه‌شناختی درباره جنبش‌های دینی از جمله جنبش‌های دینی جدید می‌پردازد و سرانجام برخی از مسائل روش‌شناختی که مربوط به مطالعات جنبش‌های دینی و اقلیت‌های دینی هستند به اجمال بررسی شده است.

در فصل نهم بحث از «دین، وحدت اجتماعی و تضاد اجتماعی» است. این فصل از شیوه‌هایی بحث می‌کند که دین بر مبنای آنها در وحدت و تضاد اجتماعی سهیم است، در حالی که بسیاری از جامعه‌شناسان دین بر نقشی تمرکز داشته‌اند که دین در آفریدن انسجام اجتماعی ایفا می‌کند. سهم دین در تضاد، مسئله سازتدرک شده است. دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، شاهد افزایش تضاد و مناقشه بوده است. همچنین گروه‌های دینی در ایالات متحده، اروپا، آمریکای لاتین و خاورمیانه رشدی را تجربه کرده‌اند. این تجدید حیات دینی عموماً بنیادگرایی نامیده شده است. بیشتر اشکال بنیادگرایی صلح‌آمیز بوده‌اند، اما برخی نیز درگیر ترور و خشونت دینی شده‌اند. در این فصل نخست به تحلیل چگونگی کمک‌های دین به وحدت اجتماعی پرداخته شده است. این بحث به ویژه با تمرکز بر تعریف بنیادگرایی و ویژگی‌های عام و شیوه‌هایی که این پدیده بر مبنای آنها در ادبیات جامعه‌شناختی توضیح داده شده دنبال گردیده است و سپس به نقش دین در تضاد اجتماعی و خشونت دینی پرداخته می‌شود و بعد از آن بحث می‌شود که آیا منابع تضاد دینی کاملاً اجتماعی‌اند یا مربوط به سرشت دین هستند.

قطعی هدف اصلی بحث‌ها نبوده و همواره امکان نقد دیدگاه‌ها فرض گرفته شده است. در کنار هم حفظ کردن تجربی اران و نظریه پردازان جامعه‌شناسی یکی دیگر از اهداف در توسعه جامعه‌شناسی است که از رویکردهای نویسندگان این کتاب نیز بوده است.

این کتاب معرفی نظام مندی از آخرین داده‌های تجربی درباره زندگی دینی از سراسر جهان ارائه نمی‌کند، بلکه تنها به نمونه‌ها و توضیحاتی بسنده کرده است و با اینکه تلاش شده این کتاب حاوی مطالبی از سنت‌های دینی گوناگون باشد، اما به اذعان خود نویسندگان سیمایی غربی دارد و بیشتر مثال‌ها و نمونه‌های ذکر شده نیز از برخورد میان سنت و مدرنیته گرفته شده است.

ترکیب سنت کلاسیک صدساله و تنوع نظریه‌های ارائه شده در این کتاب نشان می‌دهد که جامعه‌شناسی یک رشته علمی پیچیده است و افراد و جامعه در حال تغییر هستند و موجودات انسانی زنده بخشی از موضوع مطالعه را تشکیل می‌دهند. این موضوع برای جامعه‌شناسی دین نیز صادق است. همان طور که دین در معرض تغییر است، جامعه‌شناسی دین نیز به مسیرهای جدیدی بسط می‌یابد.

و تبیین‌های جامعه‌شناختی چقدر فراگیرند؟ آیا ایمان دینی و تفسیرهای جامعه‌شناختی دین با یکدیگر متضاد هستند؟ همچنین رابطه بین ایمان دینی و تفسیرهای جامعه‌شناختی دین، در سطحی علمی تردر نظر گرفته شده است. چه کسانی مخالف یا موافق داشتن ایمان دینی در زمان مطالعه کردن دین به منزله پدیده‌ای جامعه‌شناختی هستند؟ همچنین چگونه کلیسا و دیگر سازمان‌های دینی از جامعه‌شناسی در فعالیت‌هایشان استفاده می‌کنند؟ این باور که در سال‌های آینده، نگرش مثبت به جامعه‌شناسی دین، در میان دانش پژوهان همه سنت‌های دینی بسط خواهد یافت باوری معقول است. در عوض نوع نگاه این رشته به احتمال زیاد در میان گروه‌های بنیادگرا و لیبرال هر سنت دینی بیشتر تفاوت خواهد داشت. به نظرمی رسد توانایی آفریدن فضایی برای نقد و بازاندیشی درباره ایمان و علم، پیش شرطی برای ترکیب تفسیرهای جامعه‌شناختی و ایمان دینی باشد.

بیان اهداف و رویکرد نویسندگان کتاب

چگونه دین را از طریق انواع چشم‌اندازهای جامعه‌شناختی می‌توان مطالعه کرد که تا کنون کمتر به آن توجه شده است؟ برای بیان این هدف، نویسندگان خطوط کلی نظریه‌های جامعه‌شناختی موجود درباره دین را ارائه کرده‌اند. در جامعه معاصر، جامعه‌شناسی عمومی و جامعه‌شناسی دین به چند مضمون علاقه مشترکی نشان داده‌اند. جنسیت، زبان، معنا و همچنین بدن به مثابه بیان جسمانی در مناسک، مثال‌هایی از این علایق مشترک هستند. جهانی شدن یکی دیگر از این مضامین مشترک است و حوزه‌ای است که جامعه‌شناسان دین کمک زیادی به جامعه‌شناسی عمومی کرده‌اند. از این رو نویسندگان تلاش کرده‌اند تا جایگاه جامعه‌شناسی دین را به عنوان بخش پیوسته‌ای از جامعه‌شناسی عمومی تبیین کنند.

همچنین همزمان توجه داشته‌اند به جامعه‌شناسان دین و نظریه‌های جامعه‌شناختی وسیع‌تری که حاوی محتوایی در باب دین هستند. معرفی مختصری از جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر از کارل مارکس (۱۸۸۳- ت ۱۸۸۱) تا زیگموند باومن (۱۹۲۵ تولد) و دیدگاه‌های آنها درباره زندگی اجتماعی که دین از جمله آن است و همچنین ارائه مثال‌هایی از سنت‌های دینی برای قابل فهم‌تر کردن مباحث از اهداف دیگر کتاب است.

آشنا کردن پژوهشگران و دانشجویان حوزه‌های علوم اجتماعی به ویژه جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، مطالعات فرهنگی، علوم سیاسی و حوزه‌های گوناگون مطالعات دینی و طرح مباحث و نظریه‌های مهمی درباره موضوعاتی که امروز در حوزه جامعه‌شناسی دین مطرح است نیز از هدف‌های آنها است.

هنگام طرح دیدگاه‌ها، نقدها نیز آمده است و رسیدن به نتیجه‌ای